

## از جدایی با مرجعیت تا تساهل و تسامح در تعاملات اجتماعی

۲۰ آبان ۱۳۹۷ ساعت ۱۶:۳۴

در فرقه انحرافی بهائیت ابتدا در مسئله نیابت امام زمان(عج) تغییر ایجاد شد و پیروان آیین شیخیه از مرجعیت شیعه که آنان را نایب امام زمان می‌دانستند جدا گردیدند و به رکن رابع پیوستند. با توجه به اختیارات انحصاری رکن رابع در تفسیر دین در شیخیه و تفسیر و تدوین اصول جدید در بابیه، با ارائه تعبیرات تازه از اصول توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت توسط علی محمد باب دین تازه‌ای بنا نهاده شد و آیین اسلام منسوخ اعلام گردید....

کافه تاریخ- مقالات

جهت‌گیری کلی ایدئولوژی این فرق جداسازی ملت ایران از مراجع تقلید و مشغول کردن آنان به مکتبی ساخته بشر است. مکتبی که جنبه‌های غیرعقلانی آن به عقلانیتش می‌چربد و به تدریج از صحنه عملی زندگی اجتماعی و سیاسی خارج می‌گردد. در نهایت گرایش به این ایدئولوژی موجب جدا شدن مردم از دین و دینداری گردیده پیوستن به مکاتب غیردینی را تسهیل می‌نماید. نمونه‌های این جدا شدن از دین و دینداری و گرایش به مکاتب سکولار را در کنشگران بهائیت در دوران مشروطه و پهلوی به کرات مشاهده نمودیم.

در این فرقه انحرافی ابتدا در مسئله نیابت امام زمان(عج) تغییر ایجاد شد و پیروان آیین شیخیه از مرجعیت شیعه که آنان را نایب امام زمان می‌دانستند جدا گردیدند و به رکن رابع پیوستند. با توجه به اختیارات انحصاری رکن رابع در تفسیر دین در شیخیه و تفسیر و تدوین اصول جدید در بابیه، با ارائه تعبیرات تازه از اصول توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت توسط علی محمد باب دین تازه‌ای بنا نهاده شد و آیین اسلام منسوخ اعلام گردید. ایجاد آیین و مناسک تازه در فروع دین پیروان علی محمد را از دیگر شیعیان در زندگی عملی و اجتماعی نیز جدا نمود. با ادبای بعثت بهاءالله و افاضات او، بابیه از حالت سنتی خارج شد و به آداب و رسوم متناسب با ذائقه روز نزدیکتر گردید. این نزدیکی با سهل‌تر کردن احکام مربوط به روابط جنسی و وجهه‌های ظاهراً انسان‌دوستانه در مجازات دزدان و حکم به عدم سوزاندن کتب قابل مشاهده است. به این ترتیب آیین جدید نام بهائیت گرفت. احکام بهائیت (در کتاب اقدس)

احکام اعلام شده از جانب حسینعلی بهاءالله براساس احکامی است که از جانب علی محمد باب در کتاب بیان آمده است، اما در فلسفه و فروع تفاوت‌هایی بین این دو آیین مشاهده می‌شود. برای اطلاع خوانندگان گرامی برخی از احکام آنان را در زیر می‌آوریم.

۱- نماز و روزه: از نظر بهائیان، نماز و روزه از اول بلوغ واجب می‌شود. «قد کتب علیکم الصوله تسع رکعات الله منزل الایات حین

الزوال و فی البکور و الاصل (ترجمه: برای شما واجب شد نماز ۹ رکعتی برای خدا، نازل کننده آیات، در هنگام مغرب، صبح و ظهر) نماز میت از نظر آنان هفت رکعتی است. «کتب علیکم الصلوه فرادی قد رفع حکم الجماعه». در این جمله او نماز فرادی را واجب کرده و حکم به عدم جماعت داده است، اما براساس شواهد تاریخی خود میرزا و پسرش تا آخر عمر پشت سر امام جماعت وقت نماز را به جماعت می خواندند.

۲- قبله: «واذا اردتم الصلوه ولوا وجوهکم شطری الاقدس المقام المقدس» یعنی هر وقت خواستید نماز بخوانید روی خود را به مکان مقدس بگردانید. این مکان مقدس به عقیده بهائیان همان جایگاه جسد او در عکا است.

۳- سرقت: «کتب علی السارق النفی و الحبس و فی الثالث فاجعلو فی جبینہ علامه یعرف بها لئلا تقبله مدن الله». (ترجمه: نوشته شد برای دزد، بار اول تبعید و بار دوم زندان و دفعه سوم اگر باز دزدی کرد قرار بدهید در کنار پیشانی او علامتی که به آن شناخته شود و شهرها و دیارهای خدا او را نپذیرند.) به این حکم که بهائیان آن را برجسته ترین احکام اقدس می دانند چندین ایراد وارد کرده اند:

۱-۳ مجازاتی برای زن دزد قائل نشده است.

۲-۳ مجازات اشد یعنی نفی بلد را بر شدید یعنی حبس مقدم دانسته که اتفاقاً برای دزد هم بهتر است، زیرا در دیار ناشناس بهتر می تواند دزدی کند.

۳-۳ مجازات دفعه سوم را علامت جبین قرار داده (جبین محلی بالای فرورفتگی جانب راست و چپ صورت است) و حال آن که خوب بود علامت را در جبهه یعنی پیشانی قرار می داد که وسیله پوشیدن آن کمتر فراهم بود؛ به علاوه اشخاصی که مرتکب دزدی می شوند از کسانی هستند که دزدی را کار و شعار خود می دانند و به راحتی در هر محکمه ای اعتراف می کنند و داغ بر پیشانی نهادن بی اثر است. حتی اگر برای شناخته شدن در هنگام دزدی باشد بی فایده است چرا که دزدان یا شب و یا در روز خلوت به طوری که کسی آنها را نبیند به دزدی می روند که در هر صورت حکم فوق بی نتیجه است.

۴-۳ پس از داغ شدن نیز حکم دیگری برای دزد معین نشده و نتیجه این می شود که پس از داغ شدن دیگر مجازاتی برای دزد نیست و او می تواند به راحتی به دزدی برود. ۱

۴- زنا: «قد حکم الله لکلّ زن و زانیه ديه مسلمة الی بیت العدل و هی تسعه مثاقیل من الذهب و ان عاد امره آخری عودوا یضعف الجزاء». (ترجمه همانا حکم خدا برای همه افراد زانی و زانیه دیه مشخصی است برای بیت العدل و آن ۹ مثقال طلاست اگر مجدداً تکرار شد میزان جریمه دو برابر می شود و الی آخر). در این حکم فرقی بین زنا محصنه و غیرمحصنه قرار داده نشده است.

بهاءالله یکی از احکام کتاب بیان را فسخ نموده است و آن حکم سوزاندن کتب می باشد: «قد عفی الله عنکم فی البیان من محو الکتب و اماکن بأن تقرأ و من العلوم ما ینفعکم». یعنی این حکم بیان که در آن بر محو کتب امر شده از گردن شما ساقط شد و امر می شوید به خواندن و آموختن علوم آنچه احتیاج دارید.

۵- محارم: ازدواج با محارم در این آیین مگر با زن پدر منع نشده است. «قد حرمت علیکم ازواج ابائکم انا نستحیی ان نذکر الغلمان» (ترجمه: همانا بر شما حرام شد ازدواج با زنان پدرانتان و ما حیا و شرم می کنیم از یادآوری حکم مردان [لواط]. در اینجا فقط حکم بر حرمت ازدواج با زن پدر شده است و ازدواج با دیگران اعم از خواهر و ختر و خاله و عمه و غیره حلال است.

۶- عید: روز ولادت میرزا و روز بعثت باب اعیاد واجب هستند.

۷- ازدواج: «قد كتب عليكم النكاح ايكام ان تجاوزوا عن الاثنتين.» (ترجمه: برای شما ازدواج نوشته شد. دوری کنید از بیشتر از دو زن گرفتن.) ۲ عجب این است که بسیاری از بهائیه‌ها بیش از دو زن گرفته‌اند و خود میرزا با این که به قول خود مسجون بود به دو سه زن قناعت نکرد و عجب‌تر این که با این وجود باز بهائیان را عقیده بر این است که در بهائیت ازدواج با بیش از یک زن حرام است. ۳

در این آیین معاملات ربوی آزاد است<sup>۴</sup> و حجاب زنان و ترک تراشیدن ریش مردان ملغی شده است.

یکی از ابداعات بهاءالله، نفی روحانیت و ملغا نمودن این نهاد است. او ضمن این که به لزوم وجود مبلغین دینی اذعان دارد اما برای آنان هیچ وضع جداگانه‌ای از افراد عادی نمی‌پذیرد. به عقیده او زندگی مبلغین دینی می‌باید درست مثل دیگر افراد جامعه باشد و قشر متمایزی را تشکیل ندهند. ۵. عمده ادعای بهاءالله ادعای «من یظهره اللهی» است که وعده آن توسط باب داده شده بود. البته بعد از باب عده زیادی این ادعا را کردند و برخی پیروانی یافتند اما هیچ یک به موفقیت میرزا حسینعلی نوری نرسیدند. به غیر از صبح ازل که فرقه ازلیه را به وجود آورد، نام هشت نفر دیگر را از مدعیان من یظهره اللهی آورده‌اند: ۱- سیدکوری در هند. ۲- حسن میلانی ۳- سیدکور دیگری از پیروان باب. ۴- میرزا اسدالله به دیان. ۵- میرزا عبدالله ۶- حاج میرزا موسی قمی. ۷- ملا محمد زرنندی ۸- هاشم کاشانی. ۹- پیروان برخی از این افراد تاکنون نیز مانده‌اند.

در کتابهای مذهبی بهائیان آنان به شدت از دخالت در سیاست منع شده‌اند. در این قسمت برای نمونه مواردی از مرام آنان در پرهیز از مداخله در امور سیاسی ذکر می‌شود: میرزا حسینعلی نوری می‌گوید: این حزب (بهائیت) در مملکت هر دولتی ساکن شوند باید به امانت و صدق و صفا با آن دولت رفتار نمایند<sup>۷</sup> و عز مملکت ظاهره را به ملوک عنایت فرموده برای احدی جایز نه که ارتکاب نماید امری را که مخالف رؤسای مملکت باشد. ۸. عباس افندی (عبدالبهاء) عدم مداخله در سیاست را با صراحت بیشتری چنین توصیه می‌کند: «یاران (بهائیان)... نه با اهل سیاست همراز و نه با حریت‌طلبان دمساز- نه در فکر حکومت نه مشغول به ذم احدی از ملت. از جمیع جز به ذکر حق غافل و بیزار. به نص قاطع مطیع حکومت شهریار و به امر شدید منقاد سریر سلطنت به خود مشغولند... این است روش و تکلیف بهائیان»<sup>۹</sup> بهائیان به امور سیاسی تعلق ندارند. در حق کل طوایف و آراء مختلف دعا نمایند و خیر خواهند. ۱۰

پی نوشتها:

۱. عبدالحمید اشراق خاوری، گنجینه حدود و احکام، چاپ سوم، تهران، مؤسسه لجنه ملی نشر آثار، ۱۳۲۷ هـ.ش و ۱۰۵ بدیع. ۲. همان.
۳. فضایی، یوسف، شیخیگری، بایگیری، بهائی‌گری، کسروی‌گرایی، تهران، عطایی ۱۳۵۳، ص ۱۸۷.
۴. باب، سیدعلی محمد، بیان، واحد پنج، باب ۱۸.
۵. فضایی، یوسف، صص ۲۷۹-۲۷۸.
۶. باقی، ع. در شناخت حزب قاعدین زمان (موسوم به انجمن حجتیه) تهران، نشر دانش اسلامی، اسفند ۱۳۶۵. صص ۱۹۴-۱۹۳.
۷. مجله اخبار امری، ارگان رسمی بهائیان ایران، شماره ۸-۷، مهر و آبان ۱۳۴۴.

۸. اشراق خاوری، عبدالحمید، گنجینه حدود و احکام، تهران، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۴، بدیع، ص ۲۶۳.

۹. مجله اخبار امری، شماره ۹، دی ۱۳۲۸.

۱۰. مجله اخبار امری، شماره ۹، دی ۱۳۳۴.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۷۲۶۸/اجتماعی-تعاملات-تسامح-تساهل-مرجعیت-جدایی>